

The Application of Behavioral Economics Policies and Nudges in the
Situational Prevention of Tax Evasion in Iran

Mohammad Reza Karimi¹
Mohammad Barani (Corresponding Author)²
Mohammad Ashoori³

Received: 2 April 2024

Reception: 26 May 2024

Abstract

Due to the advancement of economics and the creation of new theories, behavioral economics has evolved as a new branch of economics that uses experiments in cognitive, behavioral, and psychological sciences to provide a more complete understanding of human behavior and how to predict it. Nudges are behavioral economics tools that are used to try to correct incorrect and criminal behavior or encourage the right actions, and with this tool, an attempt is made to specifically prevent penalties and specifically prevent tax evasion. The use of nudges is not a new achievement. Humans and governments have used and continue to use nudges, but experimental and proven research that has been conducted using behavioral economics assumptions will also open new horizons for criminology and intelligent criminal policy. This research is applied in terms of its purpose and in terms of collecting information using a citation method that has been written through the translation and study of reliable sources. As has been proven in this research. The achievements of behavioral economics and incentives are effective in preventing tax evasion, and appropriate achievements can be achieved with minimal costs. According to this article, it is also proven that situational crime prevention and behavioral economics overlap in areas that involve changing the behavior of potential criminals by changing their thinking and criminal behavior and using incentives, and have similar goals, perspectives, and tools.

Keywords: behavioral economics, incentives, situational prevention, tax evasion, economic crime

¹Department of Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University. Tehran, Iran

²Department of Criminal Law and Criminology, University of Police Sciences, Tehran, Iran

³Department of Criminal Law and Criminology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.498937.1205>

کاربرد سیاستهای اقتصاد رفتاری و تلنگرها در پیشگیری وضعی از فرار

مالیاتی در ایران

محمد رضا کریمی^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۴محمد بارانی (نویسنده مسئول)^۲محمد آشوری^۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۶

چکیده

بر اثر پیشرفت علم اقتصاد و ایجاد نظریات جدید، اقتصاد رفتاری به عنوان شاخه ای جدید در علم اقتصاد تکامل یافته است که با استفاده از آزمایش های علوم شناختی، رفتاری و روانشناسی تلاش می کند که درک کامل تری از رفتارهای انسان و چگونگی پیش بینی آن ارائه نماید. تلنگرها ابزارهای اقتصاد رفتاری هستند که با آنها سعی در اصلاح رفتارهای نادرست و مجرمانه و یا تشویق به انجام اعمال درست می شود و با این ابزار تلاش می شود به صورت خاص از جریام و به صورت تخصصی از فرار مالیاتی پیشگیری گردد. کاربرد تلنگرها دستاورد تازه ای نیست. انسان ها و حکومت ها از تلنگرها استفاده کرده و می کنند اما تحقیقات آزمایشگاهی و اثبات شده که با استفاده از فرضیات اقتصاد رفتاری صورت گرفته است افق های جدیدی را همچنین بروی جرم شناسی و سیاست جنایی هوشمندانه باز خواهد کرد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات به روش استنادی که از طریق ترجمه و مطالعه منابع معتبر نگاشته شده است. آنچنانکه در این تحقیق به اثبات رسیده است. دستاوردهای اقتصاد رفتاری و تلنگرها در پیشگیری از فرار مالیاتی موثر است و با کمترین هزینه ها می توان دستاوردهای مناسبی از آن حاصل کرده همچنین مطابق این مقاله به اثبات می رسد که پیشگیری وضعی از جرم و اقتصاد رفتاری در قسمتهایی که به تغییر رفتار مجرمان احتمالی با تغییر اندیشه و مجرمانه و با استفاده از تلنگرها با یکدیگر همپوشانی دارند و دارای اهداف، چشم اندازها و ابزارهای مشابهی می باشند.

کلید واژه ها: اقتصاد رفتاری، تلنگرها، پیشگیری وضعی، فرار مالیاتی، جرم اقتصادی.

^۱ گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mohamadrezakarimi729@gmail.com

^۲ گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ایران. barani.afarid2@gmail.com

^۳ گروه حقوق و جزا و جرم شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mashoori@ut.ac.ir

تلنگرها یکی از ابزارهای اقتصاد رفتاری جهت کنترل کج رفتاری های انسانی و رفتارهای اشتباه به طور کلی و به صورت خاص می تواند جهت کنترل جرایم استفاده شود. اقتصاد رفتاری شاخه ای از علم اقتصاد است که با استفاده از یافته های علوم اقتصاد و روانشناسی سعی دارد رفتارهای انسان را علت یابی کرده مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. اقتصاد کلاسیک که با اندیشه های آدام اسمیت شروع شده است، انسان را موجودی حسابگر و با اراده آزاد تصور می کند که در پی حاکم سازی منافع خود می باشد، که تاثیر مهمی بر گفتمان و اندیشه های حقوق کیفری و به تبع آن جرم شناسی امروزی داشته است. جرمی بتام و چزاره بکاریا که از بنیانگذاران حقوق کیفری نوین بوده اسند، تحت نظریات اسمیت بوده اند. مطابق این اندیشه انسان موجودی است حسابگر که تمامی رفتارهای او مبتنی بر محاسبات و تخمین سود و زیان صورت می پذیرد. هرچند اقتصاد رفتاری مخالف اقتصاد کلاسیک نمی باشد اما اقتصاد کلاسیک را برای تبیین کامل رفتار انسانی جامع و کامل نمی داند و سعی در تکامل آن دارد. در اقتصاد مرسوم فرض می شود که افراد خودشان را کنترل می کنند. بنابراین اگر یک نفر سیگار می کشد، به این دلیل است که به این کار تمایل دارد، نه به این دلیل که هیچ کنترلی روی خودش ندارد. بنابراین گاهی اوقات افراد دست به اعمالی می زنند که بعدا باعث پشیمانی شان می شود. انتخاب هایی که سطح رفاه و رضایتشان را حداکثری نمی سازد، برخی از مشکلات خود کنترلی، ریشه در اعتیاد دارد. شماری از اقتصاددانان رفتاری از کارشناسان می خواهند حتما در محدود کردن فروش محصولات دخالت کنند که ممکن است اغلب افراد ترجیح می دهند آنها را نخرند اما در هر حال می خرند (آلتن، ۱۳۹۸، ۱۰۳) یکی از استدلال های اولیه در اقتصاد رفتاری این است که مردم در انتخاب هایشان آزاد نیستند و برعکس انتخاب ها به آنها تحمیل شده است. مردم خیلی راحت فریب می خورند و مدیریت می شوند به همین دلیل انتخاب مردم، اغلب بازتاب دهنده اولویت هایشان نیست. (پیشین، ۳۳) برخلاف اقتصاد متعارف، اقتصاد رفتاری به دنبال پاسخ به این سوالات است.

چرا برخی افراد سیگار می کشند و برخی هرگز لب به سیگار نمی زنند؟
چرا برخی افراد معتادند و بعضی دیگر کوچکترین تماسی با مواد اعتیاد آور ندارند؟

چرا برخی افراد فقیر دست به فعالیت تبهکارانه می زنند درحالیکه برخی با سابقه مشابه هرگز مرتکب جرم نمی شوند؟

چرا برخی افراد مالیات خود را به موقع پرداخت می‌کنند و برخی دیگر به دنبال راههای فرار از پرداخت آن هستند؟

برخلاف فرض اقتصاد کلاسیک مبنی بر اینکه انسان‌ها از عقلانیت نامحدود، نیروی اراده نامحدود و نفع شخصی نامحدود دارند و دارای آزادی انتخاب بوده و از اطلاعات کاملی برخوردار هستند در رویکرد اقتصاد رفتاری فرض بر این است که انسان فاقد مفروضات فوق است. (امیری، ۱۳۹۲، ۱۰۱) همچنین برای تصمیم‌گیری منطقی و استدلالی، از سیستم شهودی (intuitive) نیز بهره می‌برند. سیستم شهودی به صورت خودکار و سریع بدون نیاز به تلاش زیاد یا کنترل خود خواسته عمل می‌کند و وابسته به بستر (context-dependent) و محیط تصمیم‌گیری است و معمولاً احساسات و عادات در آن تأثیرگذار هستند. فلذا کنترل کردن یا تغییر دادن آن دشوار است، این سیستم از میانبرهای ذهنی یا اکتشافی استفاده می‌کنند که انسان‌ها از طریق تجربه شخصی آنها را می‌آموزند یا به صورت طبیعی در ذات انسان‌ها وجود دارند. در مقابل، سیستم استدلالی آهسته‌تر، تحلیل‌گرایانه‌تر و به صورت آگاهانه قابل کنترل است. (گاهمن، ۲۰۰۳، ۱۵۴۱) در اقتصاد رفتاری چنین فرض می‌شود که افراد از نهادهایی تأثیر می‌پذیرند که رفتارها و انتخاب‌هایی خاص را فراهم می‌آورند (آلمن، پیشین، ۱۱۳)

به طور خلاصه باید گفت: نظریه اقتصاد رفتاری به دنبال اصلاح نظریه کلاسیک مدل تصمیم‌گیری متشکل از سیستم‌های تصمیم‌گیری شناختی و عاطفی است و برخلاف نظریه بکر (بکر، ۱۹۶۸، ۱۷۴) این تفاوت در نگرش موجب تمایز اساسی در نظریه اقتصاد رفتاری گردیده به نحوی که بسیاری از اقتصاددانان رفتاری، طرفدار نفوذ بیشتر دولت و دخالت کارشناسانه‌ی قوی‌تری هستند، زیرا تصور می‌کنند که افراد به طور کلی بسیار ساده با محیط و به خصوص چارچوب‌ها گمرده می‌شوند و درک درستی از آنچه بیشترین فایده را برای آنها ایجاد می‌کنند را ندارند. استدلال آنها این است که باید محیط را به گونه‌ای تغییر داد که افرادی که بالقوه ممکن است مرتکب اشتباه شوند از طریق تشویق و حتی تلنگر زدن آنها را راهنمایی کنیم که همان رفتاری را انجام دهند که دولت به نظر می‌رسد.

الف) پیشینه و ادبیات نظری

۱- حمید بهره مند و زهرا ساکیانی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تصمیم‌گیری مجرمان از منظر اقتصاد رفتاری و دلالت‌های آن در سیاست‌گذاری کیفری» به موضوع اقتصاد رفتاری پرداخته‌اند و نحوه تصمیم‌گیری انسان

ها از این منظر مورد بررسی قرار داده اند و با رد تئوری های اقتصاد کلاسیک در نحوه تصمیم گیری و سوگیری های روانی افراد، راهکارهایی جهت اصلاح سیاست های جنایی تقنینی ارائه کرده اند.

۲- میثم امیری در مقاله «اقتصاد رفتاری و فرار مالیاتی» (۱۳۹۲) طی مقاله ای نشان می دهد که میزان فرار مالیاتی در کشور ما با وجود اقدامات صورت گرفته روند رو به رشدی داشته و میزان قابل توجهی را به خود اختصاص می دهد. بنابراین به نظر می رسد بررسی مولفه های مطرح شده در اقتصاد رفتاری در خصوص عوامل موثر بر فرار مالیاتی و همچنین بهره گیری از ظرفیت های سیاست گذاری مطرح شده در این رویکرد می تواند در کاهش فرار مالیاتی در کشور و همچنین افزایش کارایی نظام مالیاتی موثر باشد.

۱- اقتصاد رفتاری و مالیات

اقتصاد رفتاری (behavioral Economic) راهکارهای جالبی برای پیشگیری از فرار مالیاتی با اجتناب از ستیزه ارائه کرده است. اقتصاد رفتاری برخلاف اقتصاد متعارف در پی درک پدیده های رفتاری بر مبنای رفتارهای واقعی انسان است. اقتصاد رفتاری نمی گوید که انسان ضرورتاً باید به شیوه ای رفتار کند که اقتصاد متعارف آن را عقلانی می پندارد. در واقع اغلب اوقات انسان به شیوه ای رفتار می کند که با خرد متعارف (conventional wisdom) سازگار نیست. (آلتمن ، پیشین ۱۰) اقتصاد رفتاری به طور کلی به معنی توسعه تحلیل های اقتصادی برای افراد واقعی در دنیای واقعی است (همان، ۱۰۰) رویکرد اقتصاد رفتاری یک تفاوت اساسی با اقتصاد متعارف دارد. در اقتصاد رفتاری، واقع گرایی فرضیات از اهمیت زیادی برخوردار است (همان ، ۱۹)

همچنین افراد مایل اند که به آنهایی که رفتار منصفانه دارند پاداش دهند و آنهایی را که به گونه ای ناعادلانه رفتار کرده اند را تنبیه کنند حتی اگر کردن به ضرر خودشان تمام شود. اساساً افراد به مقابله به مثل علاقه دارند و اینکه با هرکسی مثل خودش برخورد کنند (همان ، ۶۷) فری و فلند (۲۰۰۲) با بررسی شیوه های بازدارنده و اخلاق مالیاتی در میزان تمکین مودیان به این نتیجه می رسد که پاسخگویی مودیان به طور کلی به نحوه رفتار مراجع مالیاتی با آنها بستگی دارد.

یعنی وقتی نهادهای مالیاتی با مردم با احترام برخورد کرده اند، اراده مودیان برای پرداخت مالیات یا اخلاق مالیاتی تقویت شده یا افزایش پیدا کرده است. در مقابل وقتی که نهادهای مالیاتی مودیان را صرفاً موضوعی برای

اجبار به پرداخت مالیات می نگرند غالباً مودیان تلاش می کنند تا از پرداخت مالیات فرار کنند. (فری و فلد، ۲۰۰۲، ۶) آنها معتقدند که بازدارندگی صرفاً یکی از پارامترهای انگیزشی برای وادار کردن مردم به پرداخت مالیات است، در حالیکه مجموعه ای از سیاست ها وجود دارد که اخلاق مالیاتی را تقویت می کند. در حالیکه رابطه قدرت گرایانه با استفاده از ابزارهای بازدارنده دو اثر متضاد و متناقض دارد: از یک سو، بالاترین احتمال مجازات انگیزه فرار مالیاتی را کاهش می دهد. اما از سوی دیگر اخلاق مالیاتی را از بین می برد (همان، ۷) محققان با بررسی مدل فرهنگ مالیاتی کشورهای اتحادیه اروپا به این نتیجه رسیده اند که جایی که اخلاق مالیاتی وضعیت مطلوبتری دارد سطوح پایین تری از فرار مالیاتی قابل پیش بینی است. (رحمت اللهی و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۶۲) به نظر نگارندگان این بزرگترین ضعف اصلاحات قوانین مالیاتی که از ۱۳۹۴ شروع شده می باشد زیرا تنها به جرم انگاری و اقدامات پیشگیرانه وضعی توجه شده و به توسعه فرهنگ و اخلاق مالیاتی توجهی نشده است.

۲- مفهوم تلنگر

در فرهنگ معین تلنگر به معنای ضربه زدن با سرانگشت به کسی یا چیزی معنی شده است. برخی محققین تلنگر را چنین تعریف کرده اند، تلنگر (nudge) نوعی مداخله خط مشی با هدف، تاثیر گذاری بر رفتار انسانی است که بدون مشوق و یا مجوز و یا دستور العمل و مقررات اتفاق می افتد و چیزی فراتر از ارائه بازخورد انسان هاست (هالپین، ۱۳۹۸، ۵۳۳) تلنگر اصولاً ابزار ترغیب یا راهنمایی غیر تکلیفی و غیر دستوری رفتار و در شرایط آرمانی بدون نیاز به مشوق ها یا مجازات های مالی سنگین است. مولفه کلیدی تلنگر از نظر «کس سانتین» و «ریچارد تیلر» که این اصطلاح را ابداع کرده اند. این است که تلنگر برخلاف قانون یا الزام رسمی از مسدود کردن گزینه ها می پرهیزد (همان، ۴۱) تلنگرها کاربردهای گسترده ای دارند و دخالت کم هزینه دولت ها را از طریق کارشناسان خود و با هزینه اندک ممکن ساخته اند. تنها از طریق ابزار تلنگر، زمینه تغذیه رایگان بیش از ۱۱ میلیون کودک فقیر در آمریکا فراهم آمده است. با کمک تلنگر پس انداز کارمندان در برخی کشورها از کمتر از ۳ درصد به نزدیک ۴ درصد افزایش یافته است. تکرار یادآوری ها برای انجام وظایف مالیاتی، اثربخشی مسابقه برای ترک سیگار، یادآوری اثر مثبت یادآوری زمان بازنشستگی در پس انداز اثر رساندن این پیام به گروهی که دیگر به موقع مالیات خود را می پردازند و ... از نهادها و کارکردهای تلنگر در

بخش عمومی بوده است (دادگر، ۱۳۹۸، ۱۳) از این رو استقبال مقامات دولتی در انگلستان و آمریکا در درجه اول و همراهی کشورهای دیگر پس از آن در کشور و بسترسازی جدی برای کاربرد تلنگر در حدود ۲۰ کشور دیگر در این ارتباط معنادار بوده است و نشان از موفقیت آن دارد.

۳- پیشگیری وضعی

پیشگیری هر تدبیر سیاست جنایی است که هدف نهایی آن تمدید امکان پیشامد مجموعه اعمال جنایی، از راه غیر ممکن ساختن دشوار کردن یا کاهش دادن احتمال وقوع آنهاست بدون اینکه از تهدید کیف یا اجرای آن استفاده شود. (گسن، ۱۳۷۰، ۱۳۳) لذا پیشگیری به طور کلی اقدامات آگاهانه ای است که با هدف جلوگیری از ارتکاب جرم، کاهش یا از بین بردن عوامل جرم زا و تاثیر بر فرصت های ارتکاب جرم اقدام می شود.

پیشگیری وضعی بر این واقعیت مبتنی است که علیرغم بکار بستن تدابیر مختلف پیشگیری اجتماعی به دلایل مختلف بزهکاری و بزه دیدگی اتفاق خواهد افتاد و حذف بزهکاری در صحنه عمل، تقریباً محال است تدابیر پیشگیری وضعی با در نظر گرفتن وضعیت ماقبل بزهکاری درصدد تغییر وضعیت مشرف بر جرم و تبدیل معادله جرم به ضرر مجرم است؟ (محمد نسل، ۱۳۹۶، ۵۴) تکنیک های پیشگیری وضعی در سال ۱۹۹۳ توسط کلارک ارائه شد و شامل ۱۲ تکنیک برای پیشگیری از انواع جرایم خیابان و غارتگری بود. این تکنیک ها در سه دسته ارائه شد و هر یک از این سه گروه نیز خود به ۴ تکنیک تقسیم می شد در سال ۱۹۹۷ کلارک و هومل دوازده تکنیک اولیه را اصلاح کردند و با اضافه کردن دسته دیگری تحت عنوان از بین بردن بهانه ها، آن را به ۱۶ تکنیک افزایش دادند این امر سبب شد که شمول تدابیر پیشگیرانه وضعی به جرایم دیگری مانند فرار مالیاتی، تخلفات ترافیکی، آزار جنسی و سرقت اموال محل کار توسط کارکنان نیز تعمیم پیدا کند. در پاسخ به انتقادات ورتلی از پیشگیری وضعی از جرم، کورنیش و کلارک (۲۰۰۱) تکنیک ها را با اضافه کردن دسته پنجمی تحت عنوان «کاهش تحریک ها به ۲۵ تکنیک افزایش داده و برخی اصلاحات دیگر نیز در دسته بندی تکنیک ها انجام دادند (همان، ۱۲۳)

آماج یا سیبل، هدف یا موضوع ارتکاب جرم است که می تواند اموال شخصی یا جان و حیثیت و ناموس را شامل شود. بزهکاران فقط علاقمند به اهدافی هستند که به هر دلیل ارزشمند باشند (نلسون و کلارک؛ ۱۳۹۱، ۵۸ و ۵۷) آماج را می توان به هدف نهایی مرتکب از انجام جرم تعریف کرد و در فرار مالیاتی مرتکب با انجام و یا عدم انجام افعالی سعی در مخفی کردن یا فریب دستگاه مالیاتی با هدف نپرداختن یا کم پرداختن

مالیات را دارد، آماج جرم فرار مالیاتی مخفی کردن درآمد از سازمان امور مالیاتی است زیرا در این صورت است که میزان واقعی درآمد مکتوم مانده و دولت نمی تواند مالیات واقعی که بر فرد تعلق می گیرد را دریافت کند. (کریمی، ۱۴۰۳، ۱۴)

هدف نهایی از نگارش این مقاله نشان دادن و به مشابهِت دو شاخه متمایز از علوم است، اقتصاد رفتاری خواهان دخالت دولت در برخی موارد سودمند برای جلوگیری از جرایم، کج رفتاری ها و تخلفات است و جرم شناسی که شاهره علوم انسانی است محدودیتی در استفاده از منابع ندارد، سعی می کند از کلیه روشها برای جلوگیری از جرایم و تخلفات استفاده کند.

۴- فرار مالیاتی :

از فرار مالیاتی تعاریف متعددی شده است «فرار مالیاتی به معنای شکستن حریم قانونی است، وقتی مودی از درآمدهای مشمول مالیات خویش عدول ورزد و یا به شیوه های عاملانه نظیر گزارش های کمتر از واقع گزارش پیش از واقع کسورات و یا با تنظیم اظهارنامه غیر واقعی از تعهدات مالیاتی خود طفره برود در حقیقت مرتکب عمل غیر قانونی گردیده است که مستوجب تنبه مدنی یا جزایی است». (عبدالله میلانی، ۱۳۹۱، ۱۴۳)

در فرانسه قانونگذار فرار مالیاتی را در ماده ۱۷۴۱ تعریف کرده است: «فعل یا ترک فعل شروع به خالی کردن متقلبانه از برقراری یا پرداخت مالیات به وسیله پنهان کاری ارادی مبلغ مشمول مالیات (رضوای فرد، ۱۳۹۲، ۱۳۳) در دانشنامه حقوقی آکسفورد فرار مالیاتی چنین تعریف شده است: فرار مالیاتی هر اقدام غیرقانونی که برای جلوگیری از ارزیابی قانونی مالیات ها بکار برده می شود: برای مثال با پنهان کاری یا به شکست کشاندن اظهارنامه مالیاتی (دانشنامه حقوقی آکسفورد، ۱۳۸۴، ۴۹۱)

موارد زیر جرم مالیاتی محسوب می شود و مرتکب یا مرتکبان حسب مورد به مجازات های درجه شش محکوم می گردند.

- ۱- تنظیم دفاتر، اسناد و مدارک خلاف واقع و استناد به آنها
- ۲- اختفای فعالیت اقتصادی و کتمان درآمد حاصل از آن
- ۳- ممانعت از دسترسی ماموران مالیاتی به اطلاعات مالیاتی و اقتصادی
- ۴- عدم انجام تکالیف قانون مربوط به مالیات های مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده
- ۵- تنظیم معاملات و قراردادهای خود به نام دیگران یا معاملات و قراردادهای مودیان دیگر به نام خود برخلاف واقع

۶- خود داری از انجام تکالیف قانونی در خصوص تنظیم و تسلیم اظهارنامه مالیاتی حاوی اطلاعات درآمدی و هزینه ای در سه سال متوالی

۷- استفاده از کارت اشخاص دیگر به منظور فرار مالیاتی با عنایت به موارد فوق فرار مالیاتی را اینگونه تعریف می کنیم: «هر فعل یا ترک فعل عمدی که موجب اختفاء فعالیت اقتصادی و یا کتمان درآمد شده و به قصد نپرداختن یا کم پرداختن مالیات انجام شده باشد را فرار مالیاتی می نامند.» (کریمی، ۱۴۰۳، ۲۴)

ب- رابطه تلنگرها و اقتصاد رفتاری با جرم شناسی و حقوق کیفری

شاید این موضوع آنچنان اساسی و بحث برانگیز به نظر نیاید اما بیاد داشته باشیم که بخشی از خرد پذیرفته شده در حقوق و اقتصاد این است که افراد باورهای درست دارند و این باورها شامل جریمه شدن به دلیل ارتکاب جرم نیز می شود و تصمیمات آنها در ارتکاب جرم، از پارک غیر مجاز گرفته تا سرقت بانک براساس محاسبه سود و زیان انتظاری صورت می گیرد. اگر تنها تغییر رنگ و مکان برگه های جریمه پارک ماشین بدون تغییر احتمال گیر افتادن در واقعیت، می تواند برداشت افراد نسبت به احتمال گیرافتادن را تغییر دهد شاید این قضیه در مورد جرایم جدی تر هم ممکن باشد (تیلر، ۱۳۹۸، ۳۷۷)

۱- اقتصاد رفتاری و تبیین رفتار انسانی

به هر میزان که درک صحیح تری از رفتار انسانی داشته باشیم به همان میزان پیش بینی آن رفتار آسانتر می شود و به تبع پیشگیری از آن ممکن است موثرتر باشد.

الف- لزوم تدوین قوانین روشن کیفری

تمایل افراد برای تخمین میزان اشتراک نظر آنها با سایر افراد، اجماع کاذب نام دارد. وجود این سوگیری ذهنی موجب می شود که افراد میزان اتفاق نظر بر روی اعتقادات نظرات و افعال خود را بیش از واقع ارزیابی کنند (جیلویچ و روز، ۲۰۱۴، ۲۲) در واقع انسان ها تصور می کنند دیگران هم همانگونه به دنیا می نگرند که آنها تصور می کنند لذا اگر او عمل خود را مصداق قانون نیابد و یا اعمال آن را در حق خود ناعادلانه بداند، احتمال محکومیت خود را کمتر برآورد می نماید. زمانی که یک موقعیت یا انتخاب، مستعد پذیرش تفسیرهای مختلف باشد تاثیر اجتماع کاذب بیشتر خواهد بود چرا که فرصت تفسیرهای شخصی از موقعیت وجود دارد. (زمیر و تیچ من، ۲۰۱۱، ۱۷)

براین اساس تاثیر اجماع کاذب و به ویژه زمانی که قوانین و مقررات به صورت دقیق بیان نشده و دچار ابهام باشند می تواند سبب اشتباه در

محاسبه افراد شود. برای مثال می توان گفت قوانینی مانند قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور و عنوان افساد فی الارض (موضوع ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی) با توجه به ابهامی که دارند راه را برای تفسیرهای شخصی متعدد باز نموده و امکان شکل گیری اجماع کاذب را در افراد افزایش می دهند و به این ترتیب می توانند سبب کاهش بازدارندگی شوند. استفاده از عباراتی مانند «به طور گسترده» و یا «موجب اخلال شدید شدن» در ذهن افراد اجماع کاذب ایجاد می کند و موجب ارزیابی اشتباه افراد و درگیر شدن آنها با حقوق کیفری می شود. در ایالات متحده آمریکا نظام قضایی نه تنها هزینه های نسبی ارتكابی جرم را افزایش داده بلکه مجازات چنین اقداماتی را نیز به شکلی شفاف تر و مطمئن تر تعریف کرده است. حاصل این اقدامات کاهش ۳۰ تا ۵۰ درصدی جرایم علیه اموال و جرایم خشونت آمیز طی چند دهه اخیر بوده است. (آلتمن، پیشین، ۲۰۱)

اما در دادگاه به دلیل ابهام و تفسیرهای احتمالی از قوانین محکوم شوند (بهره مند و ساکیانی، پیشین، ۲۷) در قوانین کیفری ایران از این نمونه ها وجود دارد به طور مثال جرایم «کل مال از طریق نامشروع» اقدام علیه امنیت ملی «تبلیغ علیه نظام» را می توان در این دسته از قوانین که موجب واقع گرایی خام اندیشانه و اجماع کاذب می شود جای داد. پیشنهاد اقتصاد رفتاری قانونگذاری با شفافیت و بدون ابهام است که موجب می شود افراد درک درستی از قانون و مجازات و تبعات نقض آن را داشته باشند.

۲- تقویت هنجارهای اجتماعی

بسیاری از مطالعات در اقتصاد رفتاری نشان می دهد که رفتار افراد ممکن است تحت تاثیر رفتارهای دیگران و هنجارهای اجتماعی شکل بگیرد. مردم معمولاً از یک قاعده ساده تبعیت می کنند اگر دیگران این کار را انجام می دهند، پس من نیز انجام می دهم برای مثال در یک مطالعه نشان داده شد که افرادی که باور دارند همکلاسی هایشان در امتحانات تقلب می کنند احتمال زیادی دارد که در آزمون تقلب کنند و در پژوهشی دیگر مشخص شد که دانستن میزان فرار مالیاتی بر تمایل مردم بر تبعیت از قوانین مالیاتی موثر است (زمیر ویتج من، پیشین، ۵۵۱)

در فرض اقتصاد کلاسیک افراد تنها به نفع خود می اندیشند در این صورت هر کدام تنها به نفع خود فکر می کنند. اما برخلاف تصور و در مطالعات و آزمون های متفاوت و تجربه های فراوان نشان داده شده که طرف های بازی به هنگام گزارش علیه طرف دیگر به اهمیت مسائلی چون انصاف پایبند هستند (دادگر، ۱۳۹۸، ۷۷) این می تواند در تعیین و انتخاب تلنگرها به ما یاری رساند، یک فرد منطقی به منظور درک اهداف خود فعالیت می

کند گرچه گفته می شود که اکثر افراد منطقی نیستند آنها سودهای حاشیه ای را با هزینه های حاشیه ای مقایسه نمی کنند بلکه به هنجارهای اجتماعی پاسخ می دهند که در طول زندگی شان نهادینه شده است (نانوگاروپا، ۲۰۱۲، ۱)

۳- عوامل شناختی در مدل رفتاری جرم

به گفته هاگان و سیمونز (۲۰۰۱) مغز نه تنها مجموعه ای از یک یا چند ابزار محاسباتی می باشد، بلکه مجموعه ای از ابزارهای محاسباتی است که برای تسهیل و توانایی تولید مثل در محیط های مختلف با دستکاری در بخش های مختلف از آن محیط ها رشد می کند بنابراین بهتر است انتظار داشته باشیم که خروجی های سیستم شناختی به طور سیستماتیک به سمت تصمیماتی بروند که با محیط انسان سازگار شده اند حتی اگر در جامعه امروزی به درستی سازگاری پیدا نکرده اند (برنهام و جانسون، ۲۰۰۴) سیستم شناختی پیچیده است و ساختار سازگاری آن اثرات هوشمندانه بیشماری بر رفتار به دست می آید. اگرچه تعداد کمی اثرات هوشمندانه معرفی شده اند و تعداد کمی از آنها دارای مفاهیم مهمی برای جرم رفتاری هستند (ضن ویر، ۲۰۱۲، ۱۱)

مولفه شناختی مدل جرم رفتاری از ابزار حل مسئله با هدف کلی شناخت مغز انسان تشکیل می شود.

این سیستم پیچیده از عوامل پردازش اطلاعات، شامل پردازش حسی، دریافت تحلیل، توجه حافظه، منطقی و حل مسئله و همچنین به سیستم های فرعی کمکی مرتبط می شود (گری، ۲۰۰۴) این عوامل عبارتست از:

۱- تمایل به ریسک به ارزیابی ریسک یک فرآیند تصمیم گیری است که با هر انتخاب عملی می شود. حتی در اقدام به یک جرم، فارغ از این احتمال که ارتکاب آن عملیات پیامدهایی خواهد داشت، هر مجرمی این احتمال را می دهد که بازداشت و مجازات خواهد شد، پس پیشگیری موثر از جرم مستلزم آشنایی با نحوه درک مجرمین از عدم قطعیت و تردید در پاسخ به آن است. نظریه احتمالی و شواهد تجربی گسترده ای که آن را ثابت می کند نشان می دهد که تمایل به ریسک در انسان دارای انحراف های سراسری از نظریه مورد انتظار است (کاهمان و تورسکی ۱۹۷، ۱۷۶)

۲- نفرت از شکست: شواهد آزمایشگاهی ادعای این نظریه را بیشتر اثبات می کند که در ذهن مجرمین بیشتر ظاهر می شوند بنابراین نفرت از شکست به طور طبیعی با یک مدل اقتصادی مطابقت دارد که به روانشناسی رشد می پردازد.

۴- قطعیت مجازات و ضمانت اجرا

اگر قبل از ارتکاب جرم یا تخلف، یکی از دوستان فرد درباره جریمه شدن به خاطر سرعت غیر مجاز برای او خاطره ای تعریف کرده باشد در صورت ایجاد موقعیت برای سرعت غیر مجاز، احتمال دارد که قانون را رعایت کند. روانشناسان این پدیده را «دسترس پذیری» می نامند، یعنی اشخاص اعتقادات خود را بر مبنای اطلاعات روایت شده شکل می دهند که به آسانی می توانند به ذهن بیاورند (هارل، ۲۰۱۵، ۴۷۴)

این پدیده (که قبلاً با مثال نوارهای جریمه نارنجی که پلیس شیکاگو برای تلنگر زدن استفاده کرده است) خوبی ثابت می کند که تغییر ذهنیت مجرمین در آستانه جرم با استفاده از تلنگر ممکن است. (آلتمن، پیشین، ۲۱۰)

ج- شناخت انواع تلنگرها و کاربردهای آن در پیشگیری از فرار مالیاتی

۱- تلنگرهای اولیه

مثال هایی که می توان برای تلنگرهای مستقیم ذکر کرد عبارتست از تابلوهایی که در ورودی و یا دیوارهای باغ های خصوصی نصب می شود و عبارت «دارای سگ نگهبان» و یا استفاده از تابلوها و یا نوشته هایی که حتی در فروشگاه های کوچک از آن استفاده می شود «این مکان مجهز به دوربین مدار بسته است» در واقع به مراجعان این تلنگر را وارد می سازد که تحت نظر هستند و در صورت ارتکاب جرم به راحتی شناسایی می شوند و یا تابلوهایی که در فروشگاه های زنجیره ای استفاده می شود که «کش رفتن همان دزدی است» که به تحریک وجدان مشتریان پرداخته که نمی توانند خود را توجیه کنند و (مورد اخیر در فروشگاه های کشور ما استفاده نشده است) این تلنگرها ساده هستند و فرد را در آستانه وقوع جرم و یا تخلف دچار تردید کرده و احتمال خطر دستگیری و یا جریمه و یا ایراد صدمات جدی را به آنها یادآوری می کند. این موضوع با تکنیک تحریک وجدان که زیرمجموعه تکنیک های مبتنی بر حذف بهانه ها در پیشگیری وضعی است همپوشانی کامل دارد به این معنی که در اقتصاد رفتاری و پیشگیری وضعی برخی تکنیک ها و روش استفاده از آن دارای مشابهت کامل است.

۲- تلنگرهای ثانویه

این نوع تلنگرها به صورت تبعی اتفاق می افتد یعنی ممکن است قصد و هدف تلنگر زندگان به صورت مستقیم نباشد اما بر اثر تغییر شرایط و یا قانونگذارانی، اثراتی داشته باشند که موجب شود رفتار ثانویه ای که در ابتدا خواست و برنامه ای برای آن وجود نداشته است به وقوع بپیوندد به

عبارت ساده تر: اثرات جانبی اقداماتی است که صورت می گیرد و به صورت ناخواسته تلنگری برجرایم و افراد وارد می سازد و از جرایم و تخلفات پیشگیری می کند (هالیپرن، پیشین، ۱۱۷)

یکی از راهکارهای پیش گیری وضعی از فرار مالیاتی نیز ساده سازی نظام مالیاتی است، بسیاری از برنامه های نظارتی و هزینه ای توجیهاات محکمی دارند و باید اصلاح گردند نه اینکه حذف شوند. فساد در وصول مالیات را نمی توان با وصول نکردن درآمد حل کرد و برنامه های دیگر پاسخ هایی و نقائص بازار و تقاضاهای شهروندان برای کالاهای عمومی و عدالت اجتماعی هستند. یک راه حل، روشن کردن و کارآمد ساختن قوانین لازم برای کاهش قدرت ماموران و ساده تر کردن و کمتر سلیقه ای کردن کنترل است. اصلاحات مالیاتی اغلب شامل ساده کردن مالیات ها و وصول آنها بر مبنایی است که پنهان کردن یا کمتر قلمداد کردن آنها دشوار است. (آکرمن ۱۳۹۷، ۸۱) انبوه مقررات مرتبط با مالیات ها در قالب آیین نامه ها بخش نامه ها و تصویب نامه ها به عنوان مقررات تفویضی در حوزه مالیاتی خودنمایی می کند که اطلاع از قوانین و مقررات متعدد و در کنار آنها آراء و نظریه های الزام آور نهادهای نظارتی برای مرتبطین با مالیات ضروری است. تعدد قوانین و مقررات مالیاتی از نشانه های پیچیدگی های قانونی محسوب می شود که اثرات منفی آن مثل عدم تمکین مالیاتی و قانون گریزی مالیاتی را به دنبال داشته است. تاثیر تعدد و تورم قوانین مالیاتی بر پیچیدگی قوانین مالیاتی تا بدان حد است که یکی از ارکان برنامه های اصلاح مالیات در نظام های مختلف ساده سازی قوانین و رفع ابهامات ناشی از آن بوده است (احمدی موسوی، ۱۳۹۸، ۴۲)

پیچیده بودن قوانین و فرایندها ایجاد تصور فرصت فرار مالیاتی در مودیان مالیاتی می کند. قانونگذار در اصلاحات قانونی سال ۱۳۹۴ در این خصوص دست به ابداع جالبی زده که موجب تسهیل فرایندها و رفع موانع گردیده است به موجب تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات مستقیم، امکان توافق فوری سازمان امور مالیاتی و مودی فراهم می شود و بسیاری از فرایندهای زمان و هزینه بر را حذف می کند. در این تبصره پیش بینی شده است که سازمان امور مالیاتی، مودیان را که شرایط خاصی دارند را از بسیاری از تکالیف قانونی معاف می کند و مالیات را با توافق مودی به صورت مقطوع تعیین نموده و با پرداخت آن تسویه صورت می گیرد و به این شکل مالیات محاسبه و وصول می گردد و به این شکل و با ساده سازی فرایند پرداخت مالیات از اصطکاک و فرار مالیاتی صرف پرونده های مهم و تاثیر گذار می گردد. (کریمی، ۱۴۰۳؛ ۹۴)

تاثیر تلنگر ثانویه بر فرار مالیاتی با حذف پول نقد و تورم با یکی از تکنیک های پیشگیری وضعی که افزایش تلاش جهت ارتکاب جرم است همپوشانی دارد از آنجاییکه آماج جرم فرار مالیاتی مخفی کردن درآمد از دید دولت است لذا استفاده از پول نقد بهترین روش برای پیشگیری از فرار مالیاتی است زیرا پول نقد تراکنشی بدون ردیابی، سریع و ناشناس را ایجاد می کند. تاثیر کاهش پول کاغذی بر فرار مالیاتی، به تنهایی می تواند سودهای از دست رفته ناشی از چاپ پول کاغذی را حتی در صورت کاهش تنها ۱۰ تا ۱۵ درصد فرار مالیاتی جبران کند هرچند تاثیر آن روی فعالیت غیر قانونی ممکن است بیشتر باشد. (رگوف ۱۳۹۷، ۲۱۰) منافع اقتصادی کنار گذاشتن پول کاغذی به میزان قابل توجهی بیش از هزینه های ناشی از این اقدام خواهد بود. البته صحت نتیجه گیری فوق بستگی زیادی به این دارد که فرار مالیاتی و فعالیت مجرمانه در دنیای بدون پول نقد (less-cash) به چه میزانی کاهش پیدا میکند. جواب به این سوال کاملاً مشخص نیست، ابزارهای کلیدی که دولت ها در اختیار دارند عبارتند از: توانایی آنها در عدم امکان به نهادهای مالی در پذیرش یک پول جانشین و توانایی آنها در سخت ترین کردن استفاده از آن در فروشگاه های خرده فروشی می باشد. همیشه راه حل های غیر مستقیم جایگزین کردن با پول نقد وجود دارد، سکه های طلا، الماس های تراش نخورده و رمز ارزها. اما اگر به قابلیت های آنها نگاه کنیم و محدودیت های قابل توجهی را که هم اکنون وجود دارند رادر نظر بگیریم به سرعت متوجه می شویم که جایگزین های پول نقد به احتمال قوی هزینه و ریسک بالایی دارند و از کارایی کمتری برخوردارند (همان، ۳۰)

یک اصل کلی مهم در اینجا آن است که سیستم ایده آل باید جلوی تراکنش های بزرگ و ناشناس تکرار پذیر را بگیرد.

در خصوص کشور ما ایران که از تورم شدید رنج می برد و یکی از بدترین اشکال تورم در جهان را داراست موضوع پول نقد و اهمیت آن در فرار مالیاتی مانند آمریکا و سایر کشورها نیست از این تورم و بی ارزش شدن پول رایج کشور به نحوی است که در حال حاضر به دلیل بی ارزش بودن پول ملی، دیگر تقریباً از هیچ نوع سکه فلزی استفاده نمی شود و اسکناس ها نیز به نحو حداکثری کاربرد خود را از دست داده اند. این امر ممکن است به صورت غیر مستقیم سبب افزایش درآمدهای مالیاتی شده باشد. از طرفی با تغییرات قانونی اصناف موظف شده اند که از دستگاه های کارت خوان (POS) استفاده نمایند که به سازمان امور مالیاتی وصل است که بالاترین مرتبه از پیشگیری وضعی می باشد. (قانون پایانه های فروشگاهی

مصوب ۹۸/۷/۲۱) از نظر نگارندگان، تورم با عنایت به سخت کردن جابجایی پول نقد و کم شدن دسترسی به آن نوعی تلنگر ثانویه به فرار مالیاتی محسوب و موجب سخت شدن آن و کاهش مطلوبیت آن حداقل با استفاده از پول نقد می‌گردد.

۴- تلنگرهای مستقیم و پیشگیری از فرار مالیاتی

اقتصاد کلاسیک معتقد است که تمام مودیان مالیاتی فراریان مالیاتی بالقوه هستند (آلینگهام و ساندمو، ۱۳۷۲) اما اقتصاد رفتاری مخالف این نظریه است. سوال اینجاست که چرا افراد مرتکب جرم نمی‌شوند؟

در پاسخ باید گفت همانطور که اکثر افراد مالیات‌هایشان را می‌پردازند هرچند درک اقتصادی شان چنین کاری را درست نمی‌دانند اکثر آنها مرتکب جرم نمی‌شوند حتی اگر از نظر اقتصادی برای آنها سودمند باشد.

هنجارهای اجتماعی، احساس هویت، وزن دهی به منافع و زیان‌ها، سطح اطمینان و احساس شخص در باره اینکه چگونه رفتارهایشان، دوستان و همسایگان‌شان را تحت تاثیر قرار می‌دهد همه این عوامل نقش مهمی در عدم ارتکاب جرم در افراد دارند. (آلمن، پیشین، ۲۱۲)

ارسال نامه به مودیان و تلنگرزدن به صورت ساده و مستقیم یکی از راه کارهای اداره مالیات در انگلستان و ولز بوده که با موفقیت همراه بوده است و ثابت می‌کند که تلنگرها در پیشگیری از فرار مالیاتی و تمکین مالیاتی موثر است.

در یکی از پروژه‌های تلنگرزی نامه‌هایی برای ۱۲۰ هزار نفر ارسال شد که بدین شرح بود:

اکثریت قاطع مردم بریتانیا مالیاتشان را سر موقع می‌پردازند.

اکثریت قاطع مردم منطقه شما مالیاتشان را سر موقع می‌پردازند.

شما در حال حاضر در اقلیت کوچکی قرار دارید که مالیاتشان را سر موقع نمی‌پردازند.

در ابتدا قرار بود که از عبارت «۹۰ درصد تمام مالیات دهندگان» استفاده شود اما به علت اینکه بعضی از نامه‌ها برای مناطق خاصی ارسال می‌شد و تیم‌های کنترل کننده این تلنگر نمی‌توانستند تایید کنند که این ۹۰ درصد در همه مناطق صادق است. یک نکته کلی مهم در اینجا وجود دارد:

«تلنگرهای اخلاقی باید دارای دو وصف شفافیت و صداقت کامل باشند» کار آراترین پیام حاوی این دو نقطه نظر بود که بیشتر افراد مالیات پرداخت می‌کنند و شما یکی از معدود افرادی هستید که این کار را نکرده‌اید. این نامه در طول ۲۳ روز پنج درصد به تعداد مالیات دهندگانی که مالیات را پرداخت کردند اضافه کرد لذا راهبرد کارایی بود. محاسبه دقیق آورده‌ای

حاصل از این تغییر دشوار است زیرا اکثر افراد سرانجام مالیاتشان را می پردازند اما این آزمایش در طول ۲۳ روز اول درآمدی به میزان ۹ میلیون دلاری را نصیب دولت کرد. (تیلر، پیشین، ۴۴) در مثالی دیگر پزشکان و کارشناسان خدمات عمومی بریتانیا دو ماخذ درآمدی دارند. اولین آن درآمدی است که از بیمارستان و یا سازمان بدست می آید که برای وزارت مالیات بدست آوردن مالیات از آن آسان است، مالیات از حقوق کسر می شود.

اما بسیاری از پزشکان اغلب بابت کارهای خصوصی هم درآمد دیگری دارند اما این عواید همیشه و دقیق اظهار نمی شوند. دفتر نخست وزیری انگلستان و وزارت مالیات اثر بخشی نامه های گوناگون به نمونه ای از پزشکان را مقایسه می کند و به نتایج جالب توجهی می رسد. ارسال نامه کلی از وزارت مالیات که لزوم اظهار سایر عواید را به پزشکان که لزوم اظهار سایر درآمدها را به پزشکان یادآوری می کرد چندان اثر بخش نبود و فقط ۴ درصد از پزشکان به آن نام پاسخ دادند. در مقابل نامه ای که به سایر درآمدهای پزشکان استناد کرد موجب افزایش پنج برابری پاسخ ها (۲۱ درصدی) شد. نامه دیگری که مورد آزمون قرار گرفت که هدف آن جلب توجه و تحریک آنها بود در این نامه بار دیگر به درآمد خالص پزشکان اشاره شده بود و بیان شده بود که وزارت مالیات اطلاع دارد که ما از درآمدهای دیگر پزشکان هم مطلع هستیم اما مودبانه این مطلب را به آنها اعلام کرده اند که وزارت مالیات، بی جوابی های گذشته را سهل انگاری محسوب می کند ولی حالا بی توجهی حاضر را عامرانه فرض می کند. این نامه آخر موجب افزایش ۹ برابری پاسخ ها گردید. این تجربه روی سایر صنوفی که وزارت دارایی و مالیات تصور می کرد درآمد خود را کمتر اعلام می کنند نیز آزمایش شد و نتایج مشابهی بدست آمده است (هالپرن پیشین، ۱۴۶)

این تجربه در موضوعات مختلف آزمایش شده و نتایج مثبتی داشته است در ایالت نیوساوت ولز استرالیا نامه ای تهیه شده که پرداخت جریمه های معوقه رانندگی را منضم به مهر قرمز رنگ «همین حالا بپردازید» را یادآوری می کرد.

این تلنگر موجب شد پرداخت ها بدون هرگونه اقدام دیگر از حدود ۱۴ درصد به ۱۷ درصد (با ارزش ده میلیون دلار) افزایش یابد. چهار میلیون دلار در سال از جریمه های دو برابری افراد کم شود و سالیانه از ابطال و تعلیق گواهینامه رانندگی بیش از هشت هزار راننده جلوگیری به عمل آید

برآورد شده که رقم صرفه جویی در هزینه های چاپ جریمه ها، هشتاد هزار دلار در سال بود. متن نامه اصلا تغییر نداشت اما قرمز کردن کلمات کلیدی متن نامه موجب جلب توجه مخاطبین و تسریع در اقدامات آنهاست و بدین ترتیب در وقت و پول دولت صرفه جویی گردید (همان ۱۴۷)

در استفاده از تلنگرها استفاده از جزئیات و ریزه کاریها اهمیت شایانی دارد.

نتیجه :

۱- رابطه بسیار نزدیکی بین اقتصاد رفتاری و پیشگیری وضعی از جرایم وجود دارد در واقع در برخی تکنیک ها بین این دو همپوشانی کامل از جمله در ساده سازی و حذف بهانه ها وجود دارد. نکته قابل توجهی که وجود دارد این است که به علت اینکه اقتصاددانان رفتاری در تحقیق‌های عملی که برای دولت ها انجام می دهند به نتایج درخشانی می رسند که می تواند برای جرم شناسان قابل توجه باشد و آنها را در توسعه نظریات خود یاری رساند از جمله اینکه در جرم شناسی و خصوصاً پیشگیری وضعی تلنگرهای ثانویه چندان شناخته شده نیستند. دولت ها با ایجاد تیم های بینش رفتاری و با آزمون و خطا به گسترش کاربرد تلنگرها اقدام کرده اند و موجب توسعه روزافزون این شیوه شده است که می تواند خود تبدیل به یک شاخه اصلی در پیشگیری از جرایم و تخلفات تبدیل گردد.

۲- تلنگرها باید شفاف و صادقانه و ظریف و زیرکانه باشد در غیر این صورت فاقد اثر خواهد بود یا حداقل در طولانی مدت اثر خود را از دست خواهند داد.

۳- بسیاری از پیشرفت هایی که دریافت مالیات به وجود آمده است ناشی از تورم و توسعه تکنولوژی در عرصه داده های رایانه ای است بدین شرح که تورم شدید در کشور باعث بی اعتباری پول ملی و عدم امکان عملی استفاده از پول نقد گردیده است و مردم را مجبور به استفاده از کارتهای اعتباری کرده است. این برای مالیات های مستقیم که بلافاصله بعد از خرید میزان مالیات از خریدار وصول و به خزانه واریز می شود و همچنین برای مالیات های غیر مستقیم نیز ایجاد سابقه و پیشینه می کند که امکان ردگیری تراکنش ها را به متولی امر میدهد بنابراین بسیاری از پیشرفت های صورت گرفته به شکل تلنگر غیر مستقیم ناشی از تغییر بنیادین اوضاع و احوال صورت گرفته و نمی توان آن را منتسب به دولت یا سازمان امور مالیاتی نمود.

۴- اکثریت روش ها و تکنیک های به کار رفته در سیاست جنایی که خصوصاً از سال ۱۳۹۴ مدنظر دولت و مجلس قرار گرفته است بر پایه اقتصاد کلاسیک و به تبع آن جرم شناسی کلاسیک اتخاذ شده است و از منظر پیشگیری وضعی افزایش خطر و زحمت و کاهش منافع مدنظر سیاستگذاران بوده است و سابقه ای از اتخاذ تاکتیک های کاهش تحریک و حذف بهانه ها در سیاست جنایی مشاهده نمی شود و رویکردی اقتدارگرایانه و از بالا به پایین می باشد و این در حالیست که در کشورهای توسعه یافته با بکارگیری اقتصاد رفتاری اقدامات موثری در فرهنگ سازی

و پیشگیری اجتماعی از فرار مالیاتی ایجاد شده است البته این رویکرد نیاز به صداقت و اعتمادی متقابل فی مابین تابعان مالیات یعنی اشخاص حقیقی یا حقوقی و به عبارت دیگر ملت ایران و دولت ایران با نمایندگی سازمان امور مالیاتی دارد و این شرایط جز با بوجود آمدن شرایط دولت بهینه و کارآمد بوقوع نخواهد پیوست.

۵- با عنایت به تجربیات مفیدی که با استفاده از تلنگرها در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و پیشگیری از جرم در کشورهای دیگر حاصل شده است ایجاد تیم های بینش رفتاری و تلنگر زنی در سازمان های دولتی از جمله ریاست جمهوری، پلیس راهنمایی و رانندگی، پلیس پیشگیری، ادارات دولتی و سازمان امور مالیاتی، توصیه می گردد که با جذب متخصصین اقتصاد رفتاری و جرم شناسان به طراحی و الگوسازی و استفاده از تجربیات سایر کشورها در استفاده از تلنگرها اقدام نمایند.

منابع و مأخذ:

آکرمن، سوزان، (۱۳۹۷) فساد و دولت، علت ها پیامدها و اصلاح، ترجمه منوچهر صبوری، نشر شیراز. کتاب ما .

آلمن، موریس (۱۳۹۸) اقتصاد رفتاری، ترجمه محسن رنانی انتشارات آوند دانش

احمدی موسوی (۱۳۹۸) تحولات سیاست جنایی مالیاتی، گامی در جهت اقتدار مالیاتی، دایره المعارف علوم جنایی کتاب چهارم، نشر میزان
امیری میثم (۱۳۹۲) اقتصاد رفتاری و فرار مالیاتی، پژوهشنامه اقتصادی، سال ۱۷، شماره ۱

بهره مند، جمید، ساکیانی، زهرا (۱۴۰۰) تصمیم گیری مجرمان از منظر اقتصاد رفتاری و دلالت های آن در سیاست گذاری کیفی، مجله حقوقی دادگستری .

تیلر، ریچارد (۱۳۹۸) کج رفتاری، داستان شکل گیری اقتصاد رفتاری، ترجمه امیرحسین ابوطالبی، انتشارات دنیای اقتصاد .

دادگر، یدالله (۱۳۹۸) اقتصاد رفتاری، با تاکید بر سیاست گذاری عمومی، نشر نوعلم

رگوف، کنت (۱۳۹۷) نفرین پول نقد، ترجمه پیمان رحمانی، نشر راه پرداخت

رحمت الهی، حسین، حبیب نژاد، سید احمد ایزدی سلمان (۱۳۹۹) الگوی مطلوب تمکین مالیاتی در ایران، الگوی ترکیبی پژوهشنامه مالیات شماره

۴۵ بهار ۱۳۹۹

رضوی فرد، بهزاد (۱۳۹۲) تقویت اصل قانون بودن جرایم و کیفرهای مالیاتی، ضمانت اجرای اولین گام های پیشگیری از جرایم مالیاتی با نگاهی به حقوق فرانسه، منتشر شده در مجموعه ارتقاء سلامت اداری به کوشش شهرام ابراهیمی، نشر میزان

کریمی، محمدرضا (۱۴۰۳) پیشگیری وضعی از فرار مالیاتی (مطالعه موردی کلانشهر کرج، در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸)
رساله جهت اخذ مدرک دکتری در حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد تهران مرکز

گلشن، ریموند (۱۳۷۰) جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدوی کی نیا
انتشارات علامه طباطبایی، چاپ اول

محمد نسل، غلامرضا (۱۳۹۳) کلیات پیشگیری از جرم، انتشارات میزان
هالپرن، دیوید (۱۳۹۸) تلنگر چی در واحد تلنگر، ترجمه بهنام شهانی،
انتشارات کتاب مهربان

Aktips and kuzbam (2004). Is homo economics exit?
Publishing boringly.

Alingham.M.and Sandmo (1972) income Tax evation: a
theoretical analysis. Journnd of public economic. Vol.1
No.1

Beker. G.S.(1968) crime and punishment an approach:
journal of political economy.

Burnham and Johnson (2005) the evolutionary and
biologican of human cooperation, 27 analysis kritik.

Groupa Nun (2003) perioral economic of crime,
European journal of law and economic.

Goodrich, Thomas, Ross, Lee (2016) The wisest one in
the room; how you con benefit from psychology's most
Powerful insight: Simon and Schuster

Harrell, alon (2014) behavioral analysis of criminal
law, survey, the oxford handbook.

Kaman and Tversky (1979) prospect their aralysis of
decision making under risk 47, economical.

A dictionary of law, fifth edition OXFORD
UNIVERSITY PRESS.

Tversky and Kaman (1991) loss aversion in riskless
choice: A reference dependent model MIT press.

Van widens. F. Ash. E(2012) on the behavioral
economic of crime review of law and economic
university of Amsterdam.